خواسته‌ها و توقعات از مردان در گفت‌وگو با زنان

آقای من! فقط همسر نباش، همدل و همزبانم باش

به انگیزه روز زن پای درددل‌های کوتاه زنان- شاغل و خانه‌دار- نشستیم. برخی با استقبال از سؤال ما، انگار که همسر خودشان این درددل را می‌شنود، مستقیم خطاب به آنها نوشتند یا فایل صوتی به گروه مجازی ارسال کردند، به این امید که به نظر سایر آقایان برسد.

فرشته (۳۷ساله): زنان در خانه اگر بیشتر از مردها زحمت نکشند، کمتر از آنان کار نمی‌کنند، اما بسیاری از آقایان قدردان زحمات خانم‌ها نیستند، چه بسا آقایان بیرون زحمت می‌کشند و باید از آنان قدردانی کرد و باید پذیرایی به استقبال‌شان رفت، اما زنان هرگز استراحت ندارند. روزه‌تر از همه بیدار می‌شوند و دیرتر از همه می‌خوابند. خود را فراموش می‌کنند تا شیرازه زندگی حفظ و آرامش در خانه برقرار شود، اما کمتر مردی به عمق این زحمات توجه می‌کند. نکته بعدی اینکه چرا مردها به استقلال و فردیت خانم‌ها اهمیت نمی‌دهند. یک نکته مهم را دوست دارم به آقایان بگویم مبنی بر اینکه هیچ چیز برای یک زن بالاتر از عشق ورزیدن نیست. اگر خانم‌ها احساس کنند همسرشان همه‌چوره آنها را دوست دارد و عاشقانه پشت و پناه‌شان است، خانم‌ها هم سنگ تمام می‌گذارند و هر سختی و مشکلی را تحمل می‌کنند.

شکوه (۴۵ساله): یک مرد توانایی این را دارد که زن خود را به عرش ببرد یا به قرش بکشاند. آقایان! از همسر خود در هر جمعی دفاع کنید و نداشته‌ها و فقدان اطلاعاتش را به رخ او نکشید و تمسخرش نکنید.

مرضیه (۳۶ساله): کاش مردان از زنان توقع نداشتند بعد از ازدواج تمام روابط، تفریح‌ها و دوستان و دلمشغولی‌های خود را فراموش کنند و همه وقت و توجه خود را به آنها اختصاص دهند. مرد باید برای شعور همسرش ارزش قائل باشد که توان تمییزدادن دوران مجردی از تأهل را دارد. محصور کردن همسر مانع ایجاد ارتباط صمیمی و مؤثر می‌شود.

ایلما (۴۰ساله): گرم مرد به زن به عنوان بهترین همسر نگاه کند، محبت بیشتر و بیشتر می‌شود.

بدا (۳۸ساله): همسر عزیز من که بهترین حامی من هستی، چرا گاهی فراموش می‌کنی که من نفر اول زندگیت هستم. خانواده تو در وهله اول، همسر و فرزندانت هستند. در ضمن فراموش نکن که به رغم میلم، تمام حرف‌های تند و تلخ تو در دعواها در خاطرم باقی می‌ماند.

مریم (۴۱ساله): دوست دارم به همسرم بگویم که من می‌دانم بیرون خانه خیلی زحمت می‌کشی و همواره قدردان زحمات زحمت‌هایت هستم، اما در جریان باش که خانه‌داری و مادری هم شغل است و انجام دادن این حجم از کار یکنواخت در طول روز که بدون تعطیلی است، دشواری‌های خودش را دارد. کاش درک کنی من هم دوست دارم بعضی روزها برای خودم باشم و استراحت کنم.

زهرا (۳۶ساله): دل از همسر بدون رفیق باشیم. دو تا رفیق کمتر از هم توقع دارند، بهتر همدیگر را می‌فهمند، باهم گل می‌کنند اما قهر نمی‌کنند، باهم شام بیرون می‌روند، در رفاقت دعوا و قهر معنی ندارد. باید مانع شود به بدترین اختلاف‌ها تبدیل شود. در رفاقت پنهان‌کاری بی‌معنی است. صمیمیت وجود دارد. دردمی می‌کنیم و همیشه حرف برای گفتن وجود دارد. کاش آقایان فقط همسر نبودند، رفیق هم بودند، همدل و همزبان هم بودند.

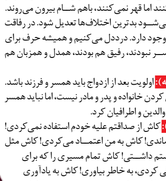

مریم، ۴۱ساله: دوست دارم به همسرم بگویم که من می‌دانم بیرون خانه خیلی زحمت می‌کشی و همواره قدردان زحمات زحمت‌هایت هستم، اما در جریان باش که خانه‌داری و مادری هم شغل است و انجام دادن این حجم از کار یکنواخت در طول روز که بدون تعطیلی است، دشواری‌های خودش را دارد

سهیلا (۴۶ساله): اولویت بعد از ازدواج باید همسر و فرزند باشد. منظورم فراموش کردن خانواده و پدر و مادر نیست، اما نباید همسر و فرزند را قربانی والدین و اطرافیان کرد.

زهرا (۳۶ساله): کاش از صداقتم علیه خودم استفاده نمی‌کردی! کاش رفیقم می‌ماندی! کاش به من اعتماد می‌کردی! کاش مثل روزهای اول دوستم داشتی! کاش تمام مسیری را که برای رسیدن به من طی کردی، به خاطر بیاوری! کاش به یادآوری که چگونه دوستم داشتی و خواهان ازدواج با من بودی! کاش بیشتر با من حرف بزنی! کاش درکم کنی! کاش نگذاری بین‌مان فاصله بیفتد!

زهرا (۳۸ساله): به خدا ما از صبح تا شب، نه بیکاریم، نه پای تلفن و نه در تفریح، چرا وقتی شب از سر کار برمی‌گردند منزل، طلبکارند؟!

یاسمن (۳۲ساله): کاش بعد از اشتباه عذرخواهی می‌کرد.

سترن (۳۶ساله): از صبح تا شب مشغول کار فرسایشی خانه‌داری هستم و تنها توقعم این است که شب وقتی همسرم می‌آید، به جای اینکه کنترل تلویزیون را دست بگیرد یا با گوشی موبایل بازی کند، کمی با من حرف بزند.

فاطمه (۳۸ساله): سال‌ها است تلاش می‌کنم به همسرم بفهمانم بعد از هر اتفاقی دنبال مقصر نباشد، بلکه دنبال حل مسئله باشد. وقتی حرف می‌زنم نگاهم کند، گوش بدهد، نه برای جواب دادن، بلکه فقط برای شنیدن خستگی‌ها و ناراحتی‌هایم.

مونا (۳۸ساله): کاش مثل دوران نامزدی به من پیام می‌داد و ابراز محبت می‌کرد. کاش همیشه اسمش بالای فهرست پیامک‌هایم بود.

مرضیه (۳۸ساله): مثل روزهای اول با من دردل کن و حرف بزن!

سعیده (۳۵ساله): کاش اگر به من می‌گوید عزیزم، به خواهر و مادرش هم نگوید عزیزم. نه اینکه این حرف از حسادت باشد، اما دوست داشتم رفتار منحصربه‌فردی با من داشته باشد و شیوه کلامی ابراز محبتش با من و بقیه فرق کند.

عطیه (۳۹ساله): تنها و تنها نیازمند این هستم که کاش گاهی هم تو بعد از هر تنش و درگیری به سمت من بیایی و منت کشی کنی.

مجدته (۴۳ساله): نقدر به کمبودها، نقص‌ها و ایرادها فکر کردی که هر روز دورتر و دورتر شدی. انگار فراموش کردی من همانی بودم که برای به دست آوردنم زمین و زمان را به هم دوختی. بدون شک هم تو نواقصی داری هم من، اما همواره نگاه بدبینانه داری و همین باعث فاصله بین ما شده است و افسوس نگرانم که این فاصله را چگونه پر کنم؟

ؤیا (۳۲ساله): یک زن وقتی می‌تواند تمام و کمال زن باشد که مرد کنار او هم همه ایفاد و تمام و کامل مرد باشد. وظایف مرد‌انه کار زن نیست و همین باعث روحیه مردگونه در او می‌شود.

فهیمه (۴۵ساله): وقتی دردل می‌کنم نگو حقته! نگو مقصر خودتی! بگذار تخلیه شوم و در کنار خودت به آرامش برسم. قضاوت هم نکن!

آیله (۸ساله): بوچه و لاغیر!

مطهره (۳۷ساله): یک خدا نمی‌میری اگر بگویی دوستت دارم یا معذرت می‌خواهم! ارام می‌شوم یا همین دو کلمه!

نگانه (۲۵ساله): گاهی در کارهای خانه کمک کند. گاهی هم دوست دارم همسرم صبح صبحانه را حاضر کند! یا بعضی روزها یک برنج ساده بگذارد و اصلا یک روز بچه‌ها را نگه دارد تا من هم چند ساعتی کنار دوستانم حال دلم را عوض کنم!

در ستایش زنان و مادران به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا(س)

کمتر از گل به او نگو!

ولادت باسعادت حضرت زهرا(س) انگیزه زیبایی برای گرامیداشت این اسوه بی‌همتاست تا تبریکات بیشتری را نثار مقام زنان جامعه و به ویژه مادران‌مان کنیم، و گرنه همه روزها روز مادر است و جایگاه آنان آنقدر بالاست که هر روزمان روز مادر است. چرخی در شهر زدیم و گلچینی از حرف‌های برخی شهروندان را درباره مادر شنیدیم.

با مردان متأهل که گفت‌وگو می‌کردیم، اکثرا از همسر خود به عنوان موجود دلسوز و لطیفی یاد می‌کردند که از گل کمتر نباید به او گفت، اما شهروندان سنین مختلف به اسم مادر که می‌رسیدند، می‌گفتند بعد از خدا می‌توان او را پرستش کرد.

یکی می‌گفت: خدا را شکر که هنوز گرمای مادر را کنارم حس می‌کنم. زندگی بدون او برایم دشوار است و نمی‌توانم آن روز را تصور کنم. خدا را در جایگاه خالق می‌پرستم و بعد از او، مادر را در جایگاه انسانی شایسته ستایش می‌دانم.

پسر دانشجویی هم اظهار داشت: خالصانه بگویم، چند باری مادرم را رنجانده‌ام. بیشتر به خاطر اینکه شب‌ها تا دیروقت با دوستانم بیرون خانه بودم. وقتی دانشجو شدم و به تهران آمدم، دو هفته مادرم را ندیدم. تلنگری بود که فهمیدم چه اشتباهی کرده‌ام. پسر نوجوانی که اهل شیراز بود نیز در ستایش مقام مادر گفت: دلم می‌خواهد آنقدر نگاهش کنم که چشمانم روی هم برود و آنقدر پاهایش را ببوسم تا اگر ذره‌ای دلخور است، راضی شود.

زن جوانی روی صندلی پارک نشسته بود. نگاهش به فرزندش بود که مبادا حین بازی گم شود. او در ستایش مقام مادر گفت: تا وقتی دختر هستی و بعد همسر می‌شوی، این تغییر نقش‌ها کمرنگ است، اما وقتی مادر می‌شوی، دنیایت آنچنان تغییر می‌کند که انگار دیگر برای خودت نیستی: حسی که قابل وصف نیست. همین را بگویم، یک مادر خاضر است هر کار نشدنی را برای فرزندش انجام دهد و حتی بخواهد کوه را جابه‌جا می‌کند.

دختری در پارک مشغول مطالعه بود. او دانشجوی رشته ادبیات بود که خواستم جمله‌ای درباره مادر بگوید. عینکش را برداشت و با لبخندی گفت: مادر برای من خاص‌ترین مخاطب است. نام او را می‌نویسم، اما او را فرشته می‌خوانم و زندگی‌ام با او استوار است. نگاه مادر، لبخند مادر و دعای مادرم آرزوست.

زن میانسالی با داشتن چند عروس، داماد و نوه می‌گفت هر روز برای نگهداری از مادر سالمندم و بیمارش چند ساعتی را در منزل مادرش سپری می‌کند. او از جمله‌ای درباره مادر خواسته که از ته دل آهی کشید و واگویه کرد: هر روز که به دیدن مادرم می‌روم، دستانم را بالا می‌گیرم و از خدا می‌خواهم این نعمت را از من نگیرد. مادرم به خاطر سکته مغزی زمینگیر شده است. یک‌باری که لباس‌هایش را عوض می‌کردم، عذرخواهی کرد و گفت: «ببخش مادر از این همه زحمت.» از آن روز به بعد هر روز دستانش را می‌بوسم و می‌گویم مادر تو زحمت نیستی تو نعمتی. آنقدر این جمله را گفتم تا مادرم آن جمله را دیگر تکرار نکند.

جملات شهروندان در وصف مقام مادر آنقدر زیاد و متنوع است که در این مجال نمی‌گنجد، اما همین را بگویم که چه قامت‌هایی خم شد تا دیگری قامت بگیرد و چه موهایی سفید شد تا دیگری روی پای خودش بایستد. این همه فداکاری از هیچ کسی برنمی‌آید جز مادر. قدرشان را بدانیم و به آنها احترام بگذاریم و اگر در بین ما نیستند، با فاتحه‌ای روح‌شان را شاد و غرق در رحمت ایزد منان کنیم.

روز مادر بر همه مادران سرزمین‌مان مبارک!

عاطفه سعیدی‌نژاد، مدیرکل امور بانوان سازمان تبلیغات اسلامی:

مراقب باشیم در مسیر شکوفایی زن، او را مردواره تربیت نکنیم

عاطفه سعیدی‌نژاد، مدیرکل امور بانوان سازمان تبلیغات اسلامی و مسئول شبکه ملی نهضت پیشرفت بانوان در گفت‌وگو با «جوان» درباره حدیث معروف امیرالمؤمنین علی(ع) درباره زنان می‌گوید: اَلمَرأه ریحانه و لَیسَت بقهرمانه (زن مانند گل است نه قهرمان) حضرت امیر(ع) در برابر ریحانه یک وجود سختی را مرفی کرده که در نظام خلقت برای کارهای سخت آفریده شده است و در عین حال نظام عاطفی زن بسیار پیچیده بوده که در روایات آمده تربیت دختر هفت برابر سخت‌تر از پسر است و مسئله همین پیچیدگی نظام رفتاری، عاطفی و احساسی زنان است.

وی توضیح می‌دهد: واقعیت این است اگر زن بخواهد در کار کردِ اصلی خود بشنبد و معماینکشی به واقعیت‌های زندگی را هدف بگیرد، باید مراعات‌های لازم نسبت به پرورش روح و شخصیت متعالی در او اتفاق بیفتد. ما در مسیر تربیتی و شکوفایی زن باید مراقب باشیم، او را مردواره تربیت نکنیم و به توان زنانه او در حل مسائل دقت کنیم

اگر زن بخواهد در کارکرد اصلی خود بشنبد و معاینکشی به واقعیت‌های زندگی را هدف بگیرد، باید مراعات‌های لازم نسبت به پرورش روح و شخصیت متعالی در او اتفاق بیفتد. ما در مسیر تربیتی و شکوفایی زن باید مراقب باشیم، او را مردواره تربیت نکنیم و به توان زنانه او در حل مسائل دقت کنیم

حاشیه بوده و اثری در تاریخ‌سازی ندارد. همچنین در مقابل، الگوی زن غربی در مسیر لذت‌جویی مردان و نظام سرمایه‌داری است و جنسیت بر انسانیت او می‌چربد.

مسئول شبکه ملی نهضت پیشرفت بانوان با اذر شد: طبق این نگاه مقام معظم رهبری می‌توان عفیف و محجبه و در عین حال دربطن و مرکز هسو مؤثر بود. اثرگذاری حضرت زهرا(س) اینچنین بود و ما نیز باید دقت کنیم که اثرگذاری مهم حضرت زهرا(س) کاملاً با اثرگذاری زن غربی متفاوت است.

به اعتقاد سعیدی‌نژاد یکی از اشتباهات مصرح این است که دنبال اثرگذاری با الرانه الگوی غربی هستیم، در حالی که حضرت زهرا(س) الگویی به ما نشان داده اثرگذاری‌اش بسیار بالاتر است.

وی می‌افزاید: ایشان رهبر اجتماعی و در زمان خود به گونه‌ای مبارز سیاسی بودند که دشمنان چاره‌ای جز حذف‌شان نداشتند. همچنین در زمان سکوت امیرالمؤمنین(ع) به نحوی بار را برداشتند تا جایی که دشمن ایشان را حذف کردند. ورود حضرت زهرا(س) در برهه یک مهم تاریخی، ما را در دوراهی مهم و کلیدی تاریخ اسلام حفظ کرده و در این دو راهی‌ها به گونه‌ای برای ما نشان‌گذاری شده‌اند که حرکت شیعه و مسیر احیای دین حق بتواند راه خود را پیدا کند.

سعیدی‌نژاد می‌گوید: جنس اثرگذاری در الگوی سوم در زندگی حضرت زهرا(س) وجود دارد و می‌توانیم آن را در جنس کنشگری‌های زنانه پیدا کنیم.

وی تأکید می‌کند: امروز یکی از مدل‌های تعمیم‌پذیر که با واقعیت زندگی بانوان قابل جمع است، مدل تبیین‌گری و اثرگذاری در محیط پیرامون است که ما برای این اثرگذاری نیاز به خروج زنان از خانه نداریم، بلکه در خانه، خانواده و در اتصالات پیرامونی می‌توانند فردی اثرگذار و یک رهبر اجتماعی باشند تا در واقع تغییر و تحولی در محیط پیرامون ایشان کنند. این اثرگذاری به شدت در وضعیت امروز جامعه ما راهگشاست که نگران گسست‌های جامعه هستیم. این جنس از کنشگری‌های زنانه مؤثر و مسیری برای حل مسائل بعدی است.

مسئول شبکه ملی نهضت پیشرفت بانوان با اشاره به فرمایش اخیر رهبر معظم انقلاب در مورد مسئولیت‌پذیری بانوان در ارکان مختلف خاطر نشان کرد: با توجه به ظرفیت‌های موجود امروز نیازمند سپردن برخی مسئولیت‌ها به بانوان هستیم و این فرصت در ارکان حاکمیتی باید فراهم شود.

مائده اسلامی، مدیر بازارچه محصولات ارگانیک:

نگاه مسئولانه مادر به تغذیه فرزندان تضمین سلامت جامعه است

مادر شدن برکات زیادی دارد، از جمله تغییر نگاه به زندگی، چراکه پس از ورود کودک به این جهان تقریباً همه چیز برای مادر تغییر می‌کند. مادر بودن تنها شغلی است که بدون هیچ چشمداشتی با تمام توان و عشق انجام می‌شود. او حتی زمانی که خواب است به غذا و حیات فرزندش فکر می‌کند، بدون آنکه ذره‌ای از این دغدغه‌ها خسته شود. مادری سخت‌ترین مسئولیت دنیاست اما توأم با عشق، رضایت و از خودگذشتگی است. این حقیقت دارد که آشوری، عشق مادر را به فرزند منتقل می‌کند، به همین خاطر وقتی از هر کودکی سؤال کنی چه غذایی را دوست داری، بدون شک بهترین دستپخت را دستپخت مادرش می‌داند، چون تنها مادر است که ذائقه و علاقه فرزندش را می‌شناسد و سعی می‌کند غذا را به نحو احسن برای فرزندانش تهیه کند، به همین خاطر بسیاری از مادران تلاش می‌کنند به کودکان خود وعده‌های غذایی سالم بدهند چراکه بر این باورند، بشقاب کودک‌شان آینده جسمی او را می‌سازد و طرفی می‌دانند روح سالم در بدن سالم است. از جمله حرکات سالمی که هر مادری می‌تواند از همان ابتدا ذائقه کودکش را با آن آشنا کند و فرزندانش را به خوردن آن عادت دهد، غذاهایی با مواد غذایی ارگانیک است. مائده اسلامی مادری است که تمام هم و غم خود را در این زمینه گذاشته است.

آشپزی، عشق مادر را به فرزند منتقل می‌کند، به همین خاطر وقتی از هر کودکی سؤال کنی چه غذایی را دوست داری، بدون شک بهترین دستپخت را دستپخت مادرش می‌داند، چون تنها مادر است که ذائقه و علاقه فرزندش را می‌شناسد و سعی می‌کند غذا را به نحو احسن برای فرزندانش تهیه کند، به همین خاطر بسیاری از مادران تلاش می‌کنند به کودکان خود وعده‌های غذایی سالم بدهند چراکه بر این باورند، بشقاب کودکشان آینده جسمی او را می‌سازد و از طرفی می‌دانند روح سالم در بدن سالم است

غذای سالم مادرانه برای همه بچه‌ها

مائده اسلامی متولد ۱۳۶۴، کارشناس دکوراسیون معماری داخلی است. او از جمله مادرانی است که بعد از تولد اولین فرزندش فعالیت هنری‌اش را کنار گذاشت و به خاطر نگاه مادرانه و مسئولانه‌اش، همراه شوهرش راهی شهر و روستاهای اطراف تهران شد تا بتواند مواد غذایی سالم و محصولات ارگانیک را تهیه و بشقاب غذای سالم را مقابل فرزندش قرار دهد؛ کاری که شاید برای خیلی از مادران به نظر سخت باشد، اما او می‌گوید: گاهی وقت‌ها سخت بود، اما احساس می‌کنم بخش مهمی از وظیفه مادری‌ام را به درستی انجام داده‌ام. همین که از خودم راضی هستم، خوشحال و آرام هستم و این آرامش یقیناً برای فرزندانم تأثیر مثبتی دارد. می‌دانم روزی می‌رسد که به آنها می‌گویم، او حلالم مادر چهار فرزند است. یکی ۱۲ ساله، دوقلوهایش هشت‌ساله و دخترش دوساله است. خانم اسلامی وقتی ثمره جسمی و روحی غذای سالم را در فرزندانش دید، دست از کار نکشید و تلاش کرد دسترسی به مواد ارگانیک را برای دیگر مادران راحت و نزدیک‌تر کند. از همین رو این مادر جوان، فروش محصولات ارگانیک را از یک جلسه مادرانه در مدرسه پسرش یا یک میز کوچکی از محصولات ارگانیک شروع کرد تا کنون به یک مغازه و سالنی مجهز در گوشه‌ای از محل بازارچه سر کلاس درس اخالق هستند. این رسم بازارچه بود که قبل از شروع کار فروش محصولات، ساعتی کلاس‌هایی از جمله تجارت اسلامی و اخلاق مهدوی برگزار می‌شد و بعد از صرف صبحانه، کار بازارچه شروع می‌شد.

بعد از اتمام کلاس گفت‌وگو را با خانم مائده اسلامی، مدیر این بازارچه شروع کردم که ماحصل آن را در زیر می‌خوانید.

قبل از مادر شدن به غذای ارگانیک اهمیت می‌دادید؟

حقیقت را بخواهید به خاطر منطقه کاری بیشتر میهمان مادرم بودم، اما بعد از نعمت مادر شدنم به طرف غذاهای ارگانیک رفتم.

چطور؟

یادم است وقتی کمله Nestle را روی قوطی شیر خشک پسرم دیدم آن را کنار گذاشتم و همان جا تصمیم گرفتم شیر ارگانیک تهیه کنم. اولین غذایش قرنی یا شیر و سویق بود. سر لاک هم از غذاهایی است که بچه‌ها به آن علاقه دارند. آن را هم با سویق درست می‌کردم. بعد که بزرگ‌تر شد، صحنه‌اش از مواد گرمی و مغذی طبیعی مثل ارده شیره، کرم کنجد و کرم بادام زمینی بود، چون مطالعه کرده بودم و می‌دانستم برای حافظه خوب است. روغنی که برای درست کردن غذا استفاده می‌کردم، زیتون و کنجد بود. همین روش را برای سه فرزند دیگرم نیز داشتم.

این کار سخت نبود؟

خب سختی‌های خودش را داشت. چون تعطیلات آخر هر هفته همراه شوهرم به شهرستان و شهرهای اطراف تهران می‌رفتیم اما معتقدم برای داشتن یک زندگی صحیح و سالم باید زحمت کشید.

برای این همه زحمت و سختی که تحمل می‌کردید، از طرف خانواده سرزنش نمی‌شدید؟

چرا البته از سر دلسوزی بود، مثلاً مادرم می‌گفت این وسواس را کنار بگذار و خودت را دیت نکن، اما سلامتی فرزندانم برایم خیلی مهم بود، به همین دلیل همه کارها را با عشق و محبت انجام می‌دادم. شوهرم هم لایه‌های نداشت و همیشه همراهم بود.

از اثرات تهیه غذای سالم بگویید. آیا تفاوتی دیدید؟

بله. طوری که بعضی مواقع دوستانم می‌گویند برای فرزندانت اسپند دود کن، چون آنها نسبت به هم کلاسی‌های شان غیبت کمتری یابت مریضی دارند. به لحاظ قدرت بدنی هم بسیار قوی و سالم هستند، طوری که در هر رشته ورزشی تا حد قهرمانی بالا می‌روند. به همین خاطر خرید که می‌روم باید فرزندانم باشند. چون نمی‌توانم تنهایی وسایل را بردارم. آنها خیلی مراکمک می‌کنند و اصلاً خسته نمی‌شوند.

این کار سخت نبود؟

خب سختی‌های خودش را داشت. چون تعطیلات آخر هر هفته همراه شوهرم به شهرستان و شهرهای اطراف تهران می‌رفتیم اما معتقدم برای داشتن یک زندگی صحیح و سالم باید زحمت کشید.

برای این همه زحمت و سختی که تحمل می‌کردید، از طرف خانواده سرزنش نمی‌شدید؟

چرا البته از سر دلسوزی بود، مثلاً مادرم می‌گفت این وسواس را کنار بگذار و خودت را دیت نکن، اما سلامتی فرزندانم برایم خیلی مهم بود، به همین دلیل همه کارها را با عشق و محبت انجام می‌دادم. شوهرم هم کلاه‌های نداشت و همیشه همراهم بود.

از اثرات تهیه غذای سالم بگویید. آیا تفاوتی دیدید؟

بله. طوری که بعضی مواقع دوستانم می‌گویند برای فرزندانت اسپند دود کن، چون آنها نسبت به هم کلاسی‌های شان غیبت کمتری یابت مریضی دارند. به لحاظ قدرت بدنی هم بسیار قوی و سالم هستند، طوری که در هر رشته ورزشی تا حد قهرمانی بالا می‌روند. به همین خاطر خرید که می‌روم باید فرزندانم باشند. چون نمی‌توانم تنهایی وسایل را بردارم. آنها خیلی مراکمک می‌کنند و اصلاً خسته نمی‌شوند.

چه‌ها در خوردن این مدل غذاها بدقلقی نمی‌کردند؟

چرا ولی من اهمیت نمی‌دادم و غذای دیگری هم درست نمی‌کردم، به همین دلیل مجبور می‌شدند همان غذا را بخورند.

تندی و بداخلاقی نمی‌کردید؟

نه اصلاً! اگر این اخلاق را پیش می‌گرفتند، آنها تا این اندازه آرام نمی‌شدند. فقط با آنها صحبت می‌کردم و حقیقت را می‌گفتم. بچه‌ها را با مضرات بعضی خوراکی‌ها مثل نوشابه، شکلات، چیپس و پفک آشنا می‌کردم. حالا آنها خودشان برای دیگران از این مضرات صحبت می‌کنند، البته از همان کودکی سعی کردم آنها را با خوردن غذاهای سالم عادت بدهم، حالا طوری شده است که اگر غذایی با مواد کراختهای تهیه شود، نمی‌خورند و خودشان دنبال محصولات ارگانیک می‌روند.

حرف آخر.

به جرئت می‌توانم بگویم به جایی رسیده‌ایم که تنها گسترش این دسته از بازارچه‌ها را دارم. چراکه مادران ساکن در شهرهای بزرگ و صنعتی مانند تهران خواهان تهیه غذای سالم برای فرزندان‌شان هستند، پس لازم است آنها را برای رسیدن به این هدف کمک و راه را نزدیک‌تر و آسان کنیم. توقع ما حمایت است. مکان در اختیارمان قرار دهند و تبلیغ و اطلاع‌رسانی هم در جای خودش انجام شود.

***

طعم خوش سوسیس و کالباس مادرانه

در بازارچه محصول سوسیس و کالباس هم فروخته می‌شد، محصولی که مدام از سوی کارشناسان تغذیه مورد نقد قرار می‌گیرد. اما مادران هم توصیه می‌شود از این مواد برای تهیه غذای کودکان استفاده نکنند. همین مرا کنجکاو کرد تا بدانم چطور این محصول در بین دیگر محصولات ارگانیک جا گرفته است. فروشنده زن جوانی بود که در گیوه‌گلف با او متوجه شدم، همان نگاه مادرانه‌ای که محبتش نشان داده بود، او را وادار به یادگیری تهیه سوسیس و کالباس خانگی کرده است و برای اینکه به علاقه فرزندانش نه نگوید، همه تلاشش را کرده و طرز تهیه این مواد را به صورت سالم و ارگانیک یاد گرفته است. او حالا دارای مدرک سازمان فنی و حرفه‌ای در خصوص تهیه این مواد غذایی است و یکسالی است این محصول را تا حد فروش، به دیگر مادران بالا برده و به شرط اخذ مجوز در فکر تولید انبوه آن است.

خانم محمدی متولد ۱۳۵۰ و مدرک کارشناسی هنر دارد. او می‌گفت به خاطر شغل شوهرش همراه سه دخترش، به کشورهای مختلفی سفر داشته و مدتی هم در آن کشورها زندگی کرده‌اند. سوسیس و کالباس از جمله غذاهایی بود که در بعضی کشورها سرو می‌شد، به همین دلیل فرزندان‌اش به خوردن آنها رغبت زیادی نشان می‌دادند، اما از خرید آنها ممانعت می‌کرد، به این دلیل که شک داشت مبادا گوشت مصرفی حلال نباشد. او در ادامه گفت: غذا را خودم درست نداشتم صورت مسئله را یک کاسبِ به همین خاطر با خودم گفتم بهتر است مسئله را حل کنم. همان جا تصمیم گرفتم وقتی به ایران برگشتم، خودم آنها را به صورت خانگی تهیه کنم.

او افزود: بعد از اینکه به ایران برگشتم، ابتدا به صورت انبوه و عملی دوره تهیه این مواد را گذراندم تا اینکه مدرک فنی و حرفه‌ای گرفتم. این کار خیلی سرمایه زیادی نمی‌خواست و من هم به دنبال سود زیادی نبودم. کار را به صورت جدی از بهمن ماه سال گذشته شروع و سعی کردم محصولات را با کیفیت بالا و با نازل‌ترین قیمت بفروشم.

زن جوان ادامه داد: به لطف خدا در این مدت کاری مشتری‌ها راضی بودهاند. شکل کارخانه این محصول به خاطر مواد افزودنی مضرات زیادی دارد، به همین دلیل خودم آن توصیه نمی‌شود. از طرفی بچه‌ها به طعم آن علاقه دارند، همین بهانه‌ای شد تا تصمیم گرفتم محصول را به صورت سالم و ارگانیک برای خانواده‌ها و همچنین مادران باردار تهیه کنم تا نوع سالم آن را مصرف کنند و از عوارض آن دور باشند. از تصمیمی که گرفته‌ام و کاری که انجام می‌دهم راضی‌ام.

این مادر در آخر گفت: این محصول به شکل سالم و ارگانیک به شرط حمایت لوازم نیروسازی دارد. از مسئولان تقاضا دارم ما را حمایت کنند تا به نیاز خانواده‌ها و خصوص مادران پاسخ دهیم.

بسرم با افتخار مرا به دوستانش معرفی می‌کند

محبوبه بهرامی نیا متولد ۵۷ است. او از ناحیه یا معلولیت دارد و در سال ۸۳ ازدواج کرده است. می‌گوید: قصد نداشتم بچه‌دار شوم اما تشویق خانواده به خصوص مادرشوهرم باعث شد تولد پسرم ورق دیگری از زندگی را به رویم باز کند

گفت‌وگو با مادران دارای معلولیت به مناسبت روز «مادر»

رد بهشت زیر چرخ ویلچرشان دیده می‌شود

«مادرشدن» در چند کلمه و توصیف نمی‌گنجد، پس مادر بودن فقط «مادر بودن» است و آخرش به عشق منتهی می‌شود، پس باید عاشقانه او را دوست داشت. تحمل همه سختی‌های تربیت کردن - نه فقط بزرگ کردن - از کسی جز مادر ساخته نیست. پایه پای فرزند قدم برداشتن، شانه به شانه او دویدن و کنار زدن هر مانعی برای برنده شدن در میدان زندگی، لذتی است هم برای مادر، هم برای فرزند. می‌خواهیم از احوالات مادرانی بگوییم که شرایط جسمی‌شان برای چشیدن طعم مادر شدن با دیگر مادران متفاوت است. مادری که راه رفتن برای خودش سخت است، اما همه سختی‌ها را برای به دنیا آوردن فرزند و کمک به ایستادن و راه رفتنش تحمل می‌کند. می‌گویند بهشت زیر پای مادران است، اما این بار رد بهشت زیر ویلچر این مادران دیده می‌شود.

***

مادرانه‌هایم را مدیون مادرم هستم

عذرا احمدی متولد ۵۹ است. او از ابتدای تولد به دلیل فلج اطفال دچار معلولیت شده بود اما با داشتن معلولیت صاحب فرزندی به نام عرشیا شد و با این هدیه خداوندی هر چند دشواری‌های بسیاری را تحمل کرد، اما حالا پایه‌های پسرش زندگی شیرینی را سپری می‌کند. او در پاسخ می‌گوید: به تقسیم وظایف میان زن و مرد برمی‌گردم. زن بیشتر در خانه است، بچه‌داری می‌کند و غذا درست می‌کند. هنر خود دارم که شاغل است و باید همسرم‌ام هم کند اما در کلاس‌ها شرکت می‌کند. من برنامه‌ریزی داشتم که آسیبی به کار و فرزندم وارد نشود و به آن هنر هم برسم. اگر برنامه‌ریزی انجام نشود، هیچ کدام نمی‌توانند آسیب به دیگری برساند. در گذشته زنان ایرانی حتماً خیاط یاد می‌گرفتند. من و خواهران هم از طریق بافتنی و گلدوزی درآمدزایی می‌کردیم. زنان در گذشته دوست داشتند وقتی خانه شوهر می‌روند، برای آنها این افتخار باشد که لباس خود را بدوزند و هنر بلد باشند.

وی درباره برنامه‌های آتی خود در این حوزه، بیان می‌کند: من تقریباً ۱۵ سال این کار را انجام دادم، اما الان ۱۰ سال است در نمایشگاه‌های بین‌المللی در سطح کشور و استان‌های مختلف شرکت و سعی می‌کنم این هنر فاخر را معرفی کنم. قبلاً نمایشگاه‌هایی در موزه ملی، کاخ گلستان، کاخ سعدآباد و آبگینه برگزار کردم و آثارم برای نمایش و فروش در آنجا وجود دارد. در نمایشگاه اخیر بنده هم به من پیشنهاد و راهنمایی دادند که چون بیشتر آثار باستانی ایران در موزه لوور فرانسه است، من را هدایت کنند تا به نمایشگاه‌های خارجی بروم. ممکن است اولین نمایشگاه خارجی من در شهر پاریس و حتی موزه لوور برگزار شود. قرار است از آثاری که در موزه لوور وجود دارد و برای فلات ایران است و بین‌النهرین و آثاری که در خود فرانسه است، این هنرها را بازآفرینی کنم و نمایشگاهی داشته باشم. من ۱۰ سال است به خیلی از افراد آموزش داده‌ام، می‌خواستم هنر ایران را گسترش بدهم. وی در سخن پایانی خود تأکید می‌کند: به تمامی زنان سرزمینم افتخار می‌کنم. من زن و مادر هستم و من جامعه ایرانی می‌بینم که چه زنان قوی و قدرتمندی داریم. این زنان با بی‌مردان جلو رفتند و حمت نشدند. زنان ایرانی ناامید نشوند و اگر عاقله‌مند به هنر و تحصیل هستند تا رسیدن به نتیجه مطلوب ادامه دهند.

نرگس ممبینی، کارشناس ارشد باستان‌شناسی، هنرمند نقاش و سفالگر:

زنان هنرمند آرامش خاصی برای تربیت فرزند دارند

«اشتغال به هنر آرامشی به زنان می‌دهد که بهتر می‌توانند روی زندگی، همسرداری و تربیت کودکان تمرکز کنند. پرداختن به هنرهای سنتی و صنایع دستی نیز بسته به علاقه و استعداد، بانوان را به آرامش می‌رساند و حتی می‌توانند برای کمک به معیشت خانواده، درآمد کسب کنند.»

نرگس ممبینی، کارشناس ارشد باستان‌شناسی، هنرمند نقاش و سفالگر با بیان این مطلب در گفت‌وگو با «جوان» اظهار می‌دارد: همیشه انسان دوست دارد به سمت آرامش برود. یکی از دلایلی که وارد کار هنر و نقاشی روی سفال شدم، به عنوان زن و مادر در کنار علاقه، آن آرامشی بود که از این هنر کسب می‌کنم.

در برهه‌های مشکلاتی داشتم اما وقتی قلممو را می‌زدم تا نقاشی کنم، همان تمرکز باعث می‌شد به مشکلات فکر نکنم و به آرامش برسم. هنرجویان و دانشجویانی که پیش من آموزش دیدند نیز می‌گویند این هنر آرامش خاصی به ما می‌دهد که بهتر می‌توانیم روی مسائل زند